



# درباره هپنینگ و آلن کاپرو

پژوهشی در باب  
هپنینگ، مفهوم و  
ویژگی‌هایش

سید سعید هاشم‌زاده  
با تشکر از مرتبه شاعر طوسی

## هپنینگ چیست؟

یک بازی، یک ماجراجویی، تعدادی از فعالیت‌های سفارش داده شده به شرکت کنندگان برای منظور کاری که بازی می‌کنند.

«آلن کاپرو»

گلن وارد<sup>۱</sup> در کتاب پست‌مدرنیسم<sup>۲</sup> خود برای اینکه بتواند این واژه را راحت‌تر به کار ببرد و مقدمه‌ای برای فهم مفاهیم پیچیده و گوناگون آن به خواننده کتاب ارائه دهد، می‌نویسد: «یکی از مشکلات و شاید یکی از نقاط قوت پست‌مدرنیسم این است که قطعیت و حد و حدود مشخصی ندارد. پست‌مدرنیسم در مقابل اینکه به راحتی در چند جمله خلاصه شود، مقاومت می‌کند و سعی خواهد یک تعریف مشخص و قطعی داشته باشد...» و در جای دیگر یادآور می‌شود: «با در نظر گرفتن کثرت رشته‌ها و ارجاعات پست‌مدرنیسم، معانی آن زیاد شده و همه این‌ها به طور کلی به جای روشن کردن آن، ماهیتش را مبهم‌تر کرده‌اند. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که معنای پست‌مدرنیسم در یک حوزه لزوماً با معنای آن در حوزه دیگر همخوانی و سازگاری ندارد.» مفهوم و کاربرد هپنینگ هم بدین گونه است و مشخص است که به حتم یکی از مهم‌ترین دلایل آن ایجاد این شیوه نمایشی در دوران پست‌مدرن و استفاده گسترده آن در هر شاخه هنری به صورت جداگانه است. مایکل کربی<sup>۳</sup> هم درباره گوناگونی و شایعات زیادی که درباره تعریف هپنینگ وجود دارد می‌نویسد: «هر جا حقایق در دسترس نباشد بازار شایعات رواج می‌یابد.» واژه هپنینگ در هنرهای چون موسیقی، نمایش، هنرهای مفهومی، ویدئو آرت و اینستالیشن استفاده می‌شود. اما آیا هپنینگ‌هایی که در هر کدام از این رشته‌ها به کار می‌رود به یک صورت و با نشانه‌ها و قواعد خاصی است؟ باید گفت واژه هپنینگ حالا بیشتر به عنوان یک هنر نمایشی درآمده است و قوانین ثابت و مشخصی پیدا کرده است اما می‌توان ریشه‌های آن را به

صورت گسترده در شاخه‌های دیگر یافت که

البته به گستردگی هنر نمایشی آن نیست.

اسکار براکت<sup>۴</sup> هنگامی که می‌خواهد به بحث هپنینگ بپردازد این گونه می‌نویسد: «اختلاط پسامدرن<sup>۵</sup> و ساختار شکنی<sup>۶</sup> در سایه شیوه‌ای به نام هپنینگ قرار گرفت، که خود با نگاهی به گذشته چشم به فوتوریست‌ها، دادائیست‌ها و سوررئالیسم داشت. یکی از چهره‌های کلیدی این موج آلن کاپرو بود.» براکت، کاپرو را یک نقاش و تاریخ هنرشناس معرفی می‌کند که توجه‌اش به محیط جلب شد و تصمیم گرفت تا همه تماشاگران یک تماشاگاه جزئی از یک تجربه کلی شوند و در این راه وظیفه‌های را هم به تماشاگر داد. در سال ۱۹۵۹ بود که کاپرو خلاصه‌ای از این واقعه هنری را به چاپ رساند و اسم آن را «هپنینگ» نام نهاد.

اولین وجه تمایز هپنینگ‌ها با شیوه‌های دیگر نمایشی همان مشارکتی است که تأکید اصلی هپنینگ‌ها به شمار می‌آید. شاید تعیین یک وظیفه برای تماشاگر کاری تکراری باشد اما با توجه به ویژگی‌های دیگر هپنینگ‌هاست که مفهوم مشارکت با شیوه‌های دیگر متفاوت می‌شود: نخست - کنار زدن محدوده مشخص برای اجرا و تبدیل آن به محدوده آزادتر و دست‌یافتنی‌تر مانند پارک‌ها.

دوم - تأکید از تماشای انفعالی به شرکت فعالانه تماشاگران.

درباره خصوصیت دوم هپنینگ‌ها احمد دامود تعریفی جامع و مفید برای هپنینگ مطرح می‌کند که از اسکولوپدیای تئاتر آکسفورد گرفته شده، نوعی اجرای تئاتری که قرار است برای بازیگران همچون تماشاگران غافلگیر کننده باشد...<sup>۷</sup> این ویژگی در هپنینگ در شاخه‌های دیگری که مطرح می‌شود نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. البته شاید به کار بر این تأکید

از تماشای انفعالی به شرکت فعالانه ما را به یاد نمایش‌هایی بیندازد که جولین بک<sup>۸</sup> اجرا می‌کرده و می‌توانسته انقلابی احساسی به راه بیندازد، اما درباره تمایز این دو حضور فعالانه تماشاگران مایکل کربی در مقاله معروف هپنینگ می‌نویسد: «در هپنینگ جایش و تماس لحظه به لحظه‌ای وجود ندارد. یک اجراکننده تنها به شکلی عملی و نه زیبایی‌شناختی یا خلاقانه، به افعال طرف مقابل خود واکنش نشان می‌دهد. مثلاً اگر الگویی حرکتی در کار باشد، او ممکن است از سر راه دیگر اجراکننده کنار برود، یا اگر با او برخورد کند، زمین بخورد نه اینکه به منظور ترکیب صریح حرکت خود با دیگران، کیفیت حرکتی خود را به نحوی آگاهانه سامان دهدی کند...» این بدان معنی است که هپنینگ کنش خود را بدون زیبایی‌شناختی آگاهانه و خلاقانه به کار می‌برد و تفاوت آن با آثار یک هم‌در همین زمینه است. همان طور که احمد دامود در وصف جولین بک می‌نویسد: «جولین بک از آغاز فعالیت خویش در اجراهای خود در پی همراه کردن مسائل سیاسی با نوعی زیباشناسی انقلابی بود»

سوم - تأکید از نقطه‌نظر هنرمند به آگاهی تماشاگر منتقل می‌شود.

در مورد ویژگی سوم باید گفت تماشاگر یا شرکت‌کننده چون خود جزوی از تولیدکننده اثر هنری است، می‌تواند خلاقیت خود را هر طور که می‌خواهد به کار گیرد و هر معنایی را که در سر دارد را اجرا کند.

چهارم - وجود همزمانی و نقطه‌نظرهای چندگانه حیای نظم رایج علت و معلولی را می‌گرفت.

شرکت‌کننده در یک هپنینگ با نقطه و نظر خود یا بهتر بگوییم با سلیفه خود در محیط اجرا شرکت می‌کند و به گفته دیگر ویژگی

چهار هینینگها دنبال هر و کامل کننده ویژگی سوم است.

پنجم هینینگها واقعههایی چندرسانه‌ای بودند و در این راه مرزهای میان هنرها را می‌شکستند و میان آن‌ها در نوسان یا داد و ستد بودند.

منظور از واقعه‌های چندرسانه‌ای که کاپرو از آن یاد می‌کند هنرهایی چون **Installation art** است. هنری که بایکل گرتی هم در جایی از مقاله هینینگ خود به این عوامل اشاره می‌کند: «در واحدهای هینینگ‌ها اجراکننده‌های وجود ندارد و ما تنها شاهد عناصر صوتی و فیزیکی هستیم.» **Installation art**

با مفاهیم و تعاریف گوناگونی پیوند خورده است و با **Performance art** و

هینینگ ارتباط مستقیمی دارد. در دانشنامه

آزاد ویکی‌پدیا<sup>۱۱</sup> این هنر این‌گونه تعریف شده است:

**Installation art** یک ژانر هنری است که در یک مکان ثابت و ویژه، محیط، اجرا می‌شود و شامل آثار سه‌بعدی تغییر شکل یافته و در نظر گرفته‌شده در یک فضا و

مکان واحد است. به طور کلی این اصطلاح در فضاهای داخلی به کار برده می‌شود، در حالی

که اجراهای خارجی بدین شکل اغلب **Land art**

**art** خوانده می‌شود. اگرچه ویژگی‌هایی در بین این دو اصطلاح مشترک است، آثار **Installation art**

**art** به علاوه فضاهایی عمومی مانند موزه‌ها و گالری‌ها در مکان‌های عمومی و شخصی ساخته می‌شوند. این ژانر هر روز در مناطق

پهن‌آور هم اجرا می‌شود و از مواد طبیعی و انتخاب‌شده مانند مالتی مدیا، ویدیو، صدا، اجرا

**Performance** تصاویر مجازی کامپیوتری و اینترنت برای کثیف‌های هیجان‌آور اثر

استفاده می‌شود. ... غالب اینجاست که در بین هنرمندان **Installation art** هنرمندانی نظیر

شهرام انتخایی و مونا خاتم که ایرانی‌الاصل هستند دیده می‌شوند.

هنرمندانی چون آن کاپرو با هینینگ‌هایشان و استفاده از **Installation art** و عوامل

محیطی گروه‌های دیگری را همچون **Fluxus** -**US** تحت تأثیر قرار دادند. در دانشنامه هنر

آکسفورد<sup>۱۲</sup> **Fluxus** تعریف شده: یک گروه بین‌المللی سازمان‌دهی‌شده از هنرمندان

آوانگارد در آلمان و در سال ۱۹۶۲ تشکیل شد و تا پایان دهه ۱۹۷۰ پیشرفت کرد. در

اسن گروه خصوصیات متداول و ادیبانه‌ای وجود نداشت اما آن‌ها با دادا احیا شدند و

بعد بر علیه هنر سنتی و همه آن‌هایی که حرفه‌ای‌گری در هنر را دوست داشتند به

یا خواستند آن‌ها بیشتر علاقه‌مند بودند تا بیشتر در هینینگ، واژه هینینگ را بیشتر با

لغت **action** صدا می‌کنند، هنرهای خیابانی و غیره فعالیت کنند.

حال به شرح هینینگ‌هایی که کاپرو در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ اجرا کرده و در سال پیش





در همان مکان‌ها اجرا شده می‌پردازیم تا بتوانیم تعاریف فوق را با آثار هینینگ ارائه شده بسنجیم و بعد به اهداف کاروباری برسیم.

#### ۱. داد و ستد خاک (مبادله خاک)<sup>۱۱</sup>

در این هینینگ هر شخصیت می‌خواست خاک خود را با خاک فضای مشخص شده باغچه دیگری مبادله کند. اگرچه بیرون کشیدن و مبادله کردن خاک‌ها از یک جا به جای دیگر عمل ساده‌ای است، اما مبادله کردن خاک‌ها، بر قسمتی از سبیل طبیعت یعنی پیوند زدن و کاشتن، بنا کردن، از یک مکان به مکانی دیگر تأکید دارد. این هینینگ در سال ۱۹۸۳ اجرا و در سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۲. انجام نده (نکن)<sup>۱۲</sup>

انجام نده در هماهنگی با the Los Angeles County Department of Parks and Recreation تحقیق یافت و شرکت‌کنندگان، اطراف چمن‌ها را با مسدود کردن و علامت «وارد نشوید» یا «در چمن راه نروید» با همجنس چیزی، محاصره می‌کردند. عابران برای عکس‌العمل در این صحنه دعوت می‌شدند و بعد نوار مسدودکننده دور چمن برداشته و علامتی تازه نصب می‌شد که عابران را به راه رفتن روی چمن دعوت می‌کرد و دوباره نظر عابران درباره این صحنه خواسته می‌شد. این هینینگ در سال ۱۹۷۰ اجرا و در سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۳. کشیدن (کشیده شدن)<sup>۱۳</sup>

«کشیدن» شامل کشیدن بلوک‌های ساختمانی بتونی در فضای باز است. هنگامی که شرکت‌کنندگان با اشخاصی که می‌ساختند برخورد می‌کردند، شکل کشیدن شدن آجر بتونی را عوض می‌کردند تا دوباره به آن‌ها برسند و آجر را زمین بگذارند و باز دوباره آن را بکشند و پشت سر هم گذاشتن و کشیدن و تعویض شکل کشیدن بلوک را انجام دهند. به عبارت دیگر بلوک‌های بتونی ساختمانی که در شهر حمل می‌شود؛ در هر برخورد با آشنای (یک آشنا) شرکت‌کننده شکل حمل کردن کشیدن یا حرکت کردن بلوک بتونی را تغییر می‌دهد؛ این مزاحل تا جایی که امکان بدیدر باشد، تکرار می‌شود. این هینینگ در سال ۱۹۸۴ انجام و در

سال ۲۰۰۸ باز انجام شد.

#### ۴. عکس‌بازی<sup>۱۴</sup>

دو شخص که یکدیگر را برای اولین بار ملاقات می‌کنند از یکدیگر عکس می‌گیرند. عکس با یادداشتی توسط دو شرکت‌کننده تهیه و چاپ و سپس معاوضه می‌شود. آن‌ها (عکس و یادداشت) کمک می‌کنند تا شرکت‌کننده‌ها نسبت به هم سوءتعبیر نداشته باشند و یکدیگر را بفهمند. این پروژه ادامه پیدا می‌کند تا شرکت‌کنندگان در رسیدن به نتایجی در عکس‌برداری ارضا شده باشند.

این هینینگ در سال ۱۹۷۰ اجرا و در سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۵. روتین<sup>۱۵</sup>

بر اساس کارهای روزانه و روزمره طراحی شده است؛ مانند نگاه کردن به آینه و صحبت با تلفن روتین، تجدید و پشت‌سر گذاشتن کارهای متداول در ارتباط درست و نادرست را به کار می‌گیرد. این هینینگ در سال ۱۹۷۳ اجرا و در سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۶. تبلیغات<sup>۱۶</sup>

تبلیغات در اصل ساخته‌شده با و برای دانشجویان مؤسسه هنرهای زیبای کالیفرنیا (the California Institute of the Arts) بود. در این هینینگ دانشجویان سازه‌های جوی را اصلاح و ترکیب می‌کردند و این کار را در منطقه کویری واسکوون در حوالی مؤسسه خود انجام می‌دادند. در حالی که دیگران، آن‌هایی که داخل مؤسسه می‌ماندند، آن‌ها را از طریق نوار ویدویی و به طور مستقیم و فوری می‌دیدند و نوار ضبط‌شده را برای شرکت‌کنندگان دوباره نمایش می‌دادند.

این هینینگ در سال ۱۹۷۰ اجرا و در سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۷. بی‌شیدن<sup>۱۷</sup>

شرکت‌کنندگان در «بخشیدن» بشقاب‌ها را پشت سر هم در گوشه‌های خیابان قرار می‌دادند. از آن‌ها عکس‌برداری می‌کردند و دوباره روز بعد می‌آمدند و از بشقاب‌ها عکس‌برداری می‌کردند تا استعاره‌ای از مبادله کردن (با نماد بشقاب خالی) در دور شهر آفریده می‌شد.

نوشته کنار بشقاب. این یک بشقاب آزاد است. اگر تو انتخابش می‌کنی برش دار، لطفاً خط کشیده‌شده گچی دور بشقاب را ترک کن و بتویس چه نقشه‌ای برای انجام دادن یا بشقاب جدیدت داری، ممنون و لذت ببر. این هینینگ در سال ۱۹۶۸ اجرا و در سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۸. پیوند زدن<sup>۱۸</sup>

پیوند زدن شامل آویزان کردن گیاهان گلخانه‌ای و اسکناس دلار (به مقدار گیاهان گلخانه‌ای آویخته‌شده) بر روی شاخه‌های درختان عزیزان در یک روز زمستانی.



بدون عکس  
این هپنینگ در سال ۱۹۷۰ اجرا و در  
سال ۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۹. شماره‌ها<sup>۲۱</sup>

در حقیقت در لس‌آنجلس و پاسادنا  
اتفاق افتاد. شماره‌ها بی‌بقا بودن طبیعت را  
در مکان‌های شهری به وسیله ترکیبی از  
محوطه دیواری مستطیلی‌شکل ساخته‌شده از  
بلوک‌های یخی، منعکس می‌کرد. در حالی که  
پس از زمانی در سرتاسر شهر ذوب می‌شدند

این هپنینگ که مطرح‌ترین هپنینگ‌های  
کاپرو است در سال ۱۹۶۷ اجرا و در سال  
۲۰۰۸ باز اجرا شد.

#### ۱۰. میزان<sup>۲۲</sup>

«میزان» نخستین بار در مؤسسه هنرهای  
زیبای کالیفرنیا به تحقق پیوست، هنگامی  
که شرکت‌کنندگان پلکان ساخته‌شده از

بلوک‌های بتونی را برمی‌داشتند و در فرم  
و مرحله جدید راهی که باید بروند، زمین  
می‌گذاشتند. این پروسه در پله‌کان‌های  
گونگون در طول مدت ساخته‌شدن و  
گذاشتن پی‌درپی پله‌ها ادامه داشت.

این هپنینگ در سال ۱۹۷۱ و در سال  
۲۰۰۸ باز اجرا شد.

با خواندن رویدادهای هپنینگ سادگی در  
اجرا و اعمال را به مثابه یک زندگی معمولی و  
عادی می‌بینیم و این عادی بودن هنر به مثابه  
زندگی است. شیوه‌ای که آلن کاپرو به عنوان  
به وجود آورنده هپنینگ درباره‌اش این گونه  
می‌نویسد: «تقابل ادعایی میان هنر و زندگی  
دست‌کم از زمان روم باستان یکی از مضامین  
هنر غربی بوده است. به بیان ساده‌تر، در هنر  
به مثابه زندگی<sup>۲۳</sup> اصل آن است که هنر از  
زندگی و هر چیز دیگر است، در حالی که  
در هنر به مثابه هنر<sup>۲۴</sup> اصل بر تمایز هنر از  
زندگی و همه چیزهای دیگر مرتبط است...»

پیام اصلی کل هنر به  
مثابه هنر همانا متمایز و  
ویژه بودن است؛ در حالی  
که پیام هنر به مثابه زندگی  
در تمامیت آن پیوستگی  
و آگاهی فراگیر است.»  
کاپرو در ادامه مشخصات  
هنر به مثابه زندگی را  
این گونه تشریح می‌کند:  
«عوض شدن مکان‌هایی  
که هنر در آن‌ها می‌تواند  
به وقوع بپیوندد حائز  
اهمیت است دور از موزه‌ها  
و تماشاخانه‌ها، سالن‌های  
کنسرت تا هر جای  
دیگری در جهان واقعی...  
و نیز مقصود در مانگرایانه  
آن تا از طریق آن واقعیت  
تکه‌تکه‌ای که در نزد  
ما بدیهی تلقی می‌شود  
مجدداً یکپارچه گردد. آن  
هم نه به گونه‌ای ذهنی،  
بلکه به گونه‌ای سراسر است  
و مستقیم، همچون  
تجربه، در این لحظه،  
در این آشپزخانه، مقابل  
ظرفشویی آشپزخانه.»  
آلن کاپرو در سال ۲۰۰۷  
درگذشت اما هپنینگ‌های

او به عنوان هنری به مثابه زندگی هنوز اجرا  
می‌شود.

#### منابع:

1. The Oxford Dictionary of Art (internet site)
2. Wikipedia, the free encyclopedia (internet site)
3. Allan Kaprow - Art as Life. MOCA the museum of contemporary art. los angeles (internet site)
4. Glenn ward. Teach yourself Post modernism. Hodder Headline Ltd. ۱۹۹۷ (Book)

5. گ براکت. تاریخ تئاتر جهان، اسکار، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، مروارید، تهران، ۱۳۷۵.
6. علی اکبر علیزاد. نظریه اجرا، مجموعه مقالات، بیدگل، تهران، ۱۳۸۷.

#### پی‌نوشت:

1. happening
2. Ward, glenn
3. Teach yourself post modernism, hodder headline ltd, 1997
4. Happening, به گفته احمد دامود تا به حال برای واژه هپنینگ معادل فارسی در نظر گرفته نشده و وی ترجیح می‌دهد تا در کتاب خود هپنینگ را با معادل «تفاه‌های دیدنی» به کار برد که به خاطر فراگیر نبودن این واژه و استفاده کم آن به جای هپنینگ نویسنده ترجیح می‌دهد تا به جای «تفاه‌های دیدنی» همان هپنینگ را به کار برد.
5. منتقد و نظریه‌پرداز تئاتر دوران پست‌مدرن
6. Oscar Brackett
7. Postmodernism
8. Structuralism
9. دامود، احمد، بازیگری و پرفورمنس آرت، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۴.
10. Julianbeak کارگردان معاصر تئاتر.
11. Wikipedia, the free encyclopedia
12. Oxford dictionary of art.
13. trading dirt
14. don't
15. drag
16. photo play
17. routine
18. Publicity
19. Giveaway
20. Graft
21. fluids
22. Scales
23. Art as life.
24. Art as art.

